

یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۱ هفته نامه های پائانات و پرتو سخن در شماره روز جمعه ۱۷ تیر طی گزارش دیدار آیت الله مصباح یزدی با احمدی نژاد را در صفحه اول خود چاپ کرده و از قول مصباح یزدی نوشتند: «این انتخاب مشحون به کرامات و معجزات بود.» در همین دیدار مرید و مراد وار احمدی نژاد گفت: «این دوره به یاری خداوند به آن چیز منجر خواهد شد که همه ما در انتظارش هستیم و آن تحقق دولت اسلامی است.»

روزنامه ایران در شماره روز پنجشنبه ۱۶ تیر حرفهای آخوند مصباح یزدی در این دیدار را منعکس کرده است. مصباح یزدی می گوید: «در چندماه گذشته، دعاها و دعاها خاصی به وجود مقدس حضرت ولی عصر شد و مردم از ایشان خواستند که با دعایشان، رئیس جمهوری انتخاب شود که در پی حل مشکلات واقعی کشور باشد و دیدیم بر خلاف همه محاسبه ها و پیش بینیها، نتیجه انتخابات به گونه ای رقم خورد که ظاهراً هیچ دلیل دیگری جز توسل مردم و دعای شهیدان نداشت.»

همه می دانند که این «دعاهای خاص» که «بر خلاف همه محاسبه ها و پیش بینیها» منجر به صعود احمدی نژاد شد چیزی جز لشکر کشی خامنه ای به منظور حذف شرکای قبلی و به کرسی نشاندن یک دست نشانده مطیع که مهر تروریست بر پیشانی اش زده شده باشد، نبود.

این لشکر کشی برای ولی فقیه نظام که در اوج ضعف و بن بست مجبور به حذف شرکای قبلی شد، ارزان تمام نشد. خامنه ای نه فقط افرادی مثل رفسنجانی و کروبی را پس از استفاده برای گرم کردن تنور انتخابات به شیوه توطئه و تقلب حذف کرد، بلکه همه ی محاسبات حزب مولفه اسلامی که یکی از مدافعان سر سخت «ذوب در ولایت» بود را نیز نقش بر آب کرد.

به گزارش خبرگزاری دولتی کار (اپلنا) روز شنبه ۱۱ تیر حبیب الله عسگر اولادی قائم مقام «شورای هماهنگی نیروهای انقلاب» در جمع دبیران استانها و شهرستانهای حزب

مولفه اسلامی گفت: «نباید درباره انتخابات سوالي وارد شود، وقتی رهبري و شوراي نگهبان ميگویند انتخابات سالم است، ما حرف ديگري نبايد بزنییم.» وقتی عسگر اولادی می گوید «ما حرف دیگری نباید بزنییم» به طور صریح به این امر اعتراف می کند که در مورد سالم نبودن این انتخابات حرف بسیار است، اما چون برای رهبری این انتخابات «سالم» بوده، نیروهای «ولایت مدار» باید به نتیجه آن تمکین کنند و تنها در صدد سهم خواهی حقیرانه در کابینه باشند.

البته برای ولی فقیه نظام که «صعود یک کوتوله سیاسی» و «رواج دروغ بزرگ حمایت طبقه فرودست» را طراحی کرده از پیش معلوم بود که این شاهکار دروغ، تزویر و تقلب را باید با عملیات نرم افزاری امنیتی، گفتمان سازی در مورد «پایگاه اجتماعی» احمدی نژاد و شل کردن سر کیسه به رسانه ها الفا کرد.

خامنه ای بلافاصله پس از انجام دور دوم انتخابات طی پیامی گفت: «حضور سي ميليوني ملت در ۲۷ خرداد و شرکت حدود ۲۸ میلیون نفر در انتخابات سوم تیر، نشان داد که بر خلاف تصور این گونه سیاستمداران و تحلیلگران، ملت ایران زنده، مومن و پاینده به مبانی انقلاب است و با همه وجود، عزت، عظمت و آرمانهای خود را دنبال می کند که دنیا باید این منطق ملت ایران را بفهمد و با محاسبه این واقعیات، با مردم ایران سخن بگوید.»

خامنه ای در این پیام هدفش را به روشنی بیان می کند. او همه ی این تقلبها و رای سازبها و حذف کارگزاران نظام را برای این انجام داده که به «دنیای بگویی» باید این منطق» استبداد مذهبی حاکم بر ایران را بفهمد و با «محاسبه این واقعیات» با نظام حاکم بر «ایران سخن بگوید.»

منطقی که ولی فقیه نظام از دنیا انتظار فهم آن را دارد بسیار روشن و صریح است. روی سخن خامنه ای با کشورهای بزرگ و در راس آن دولت آمریکا است. خامنه ای با به صدر نشاندن یک پاسدار تروریست به طرفهای خارجی این پیام را ارسال می کند که اگر «امنیت» جمهوری اسلامی به خطر بیفتد، امنیت جهان و منطقه را بیش از پیش در خطر خواهد انداخت. در حقیقت حذف تمامی شرکای ولی فقیه و یک دست شدن ولایت خامنه ای اعلام جنگ خامنه ای به همه ی افراد و نیروهای سیاسی و دولتهایی

است که به دنبال تغییر استبداد مذهبی ولایت فقیه هستند.

خامنه ای می داند که کف خواسته مردم نابودی نظام ولایت فقیه و استقرار یک نظام لائیک و دموکراتیک است و این خواسته با هیچ عوامفریبی تخفیف نخواهد یافت.

او همچنین می داند که مقاومت ایران فریب هیچ یک از مانورها و عوامفریبهای ۱۶ سال گذشته نظام را نخورده و همواره تاکید کرده که در چارچوب نظام ولایت فقیه و با وجود قانون اساسی جمهوری اسلامی هیچ رفرم، اصلاح و استحالته ای صورت نخواهد گرفت و البته هزینه ایستادگی بر این مواضع اصولی بسیار سنگین بوده است.

خواست اصلی مردم ایران و ایستادگی مقاومت بر مواضع سازش ناپذیر تهدید اصلی برای نظام ولایت فقیه بوده و خواهد بود. خامنه ای با یک دست کردن ولایتش در صدد است تا از فرصت رایگان عراق و چالشهای آمریکا در عرصه بین المللی به ویژه در بازی با کارت چین و هند برای فروش نفت و گاز، مساله تضمین امنیت ولایتش را قطعیت بخشد. این که آیا آمریکا و اتحادیه اروپا در کوتاه مدت به این گردنکشی تن خواهند داد یا نه مساله ایست که با قطعیت نمی توان پیرامون آن حکم داد. اما آن چه مسلم است اعلام جنگ خامنه ای با مردم ایران وارد مرحله جدیدی شده است. از نگاه مردم و نیروهای آگاه و ترقیخواه ایرانی جنگ خارجی نمی تواند راه مقابله با گردنکشی و اعلام جنگ ولی فقیه باشد.

منافع و مصالح عالی مردم ایران و راه حل اساسی برای مردم ایران و نیروهای ترقیخواه ایرانی اتحاد و همبستگی به منظور سرنگونی نظام ولایت فقیه و استقرار جمهوری دموکراتیک مبتنی بر جدایی دین از دولت است. دولتها و نیروهای سیاسی بین المللی تنها با قطع کمک و استمالت از نظام ارتجاعی حاکم بر ایران و به رسمیت شناختن حق مردم ایران برای تحقق یک نظام آزاد و دموکراتیک می توانند از گسترش تروریسم، جنگ و بنیادگرایی جلوگیری کنند.

انتصاب کوتوله ای به نام احمدی نژاد در برابر تحریم گسترده مردمی

زینت میرهاشمی نمایش انتخاباتی میان مار و افعی به پایان رسید. از قوطی جادویی ولایت فقیه، با تقلب، رای سازی، سرانجام مار سریش را در آورد. روزنامه کیهان چند ساعت قبل از پایان این نمایش که به مدت ۶ ساعت هم بر آن اضافه شده بود، پیروزی احمدی نژاد را تبریک گفت.

رفسنجانی مغلوب این شعبده بازی تصمیم دارد به «دادگاه عدل الهی» شکایت ببرد. وی که مخارج زیادی برای تبلیغاتش خرج کرده و دارد، به گوشه ای از شیوه های به کار برده در این نمایش انتخاباتی اشاره کرد. وی روز شنبه ۵ تیر به «هزینه های دهها میلیاردی از بیت المال» از طرف رقیبش اشاره کرد.

انتصاب یک تیر خلاص زن و از ارتجاعی ترین بخش حکومت به مقام تدارکاتچی رژیم حاکی از وضعیت در هم گسیخته حکومت است. این گونه قدرت جمهور ساختن نه فقط نشان دهنده زینت رژیم نیست بلکه نشان از ورشکستگی آن است. در این انتخابات ضد دموکراتیک که به بازی گرفته شدگان آن قسم خورده قانون اساسی و ملتزم به ولایت فقیه هستند هر کس که از صندوقها بیرون آید پاسدار نظام جهل و جنایت خواهد بود.

رقابت بین دو فاشیست، یکی که ۲۶ سال در حیات سیاسی این رژیم در بالاترین مدار نقش داشته و دیگری که از میان باندهای فالانژ با اعتقاد خالصانه تیر خلاص زن شده، جریان داشت. رفسنجانی به دلیل نقشی که در این رژیم از ابتدا تا کنون داشته است از منفورترین چهره های حکومت است که می خواست در این دوره در لباس «ناجی میانه رو» و «اصلاح طلب» وارد گود شود. خاتمی رئیس حکومت ولایتی در طی دوران ۸ ساله اش تنها در فریب مردم نقش بازی کرد. تا جایی که به حفظ ارکان نظام بر می گردید وی در این مدت از جمله خدمت گذاران صدیق حکومت بود. پس حالا یک تدارکاتچی دیگر جای آن را خواهد گرفت. در تضادهای باندهای حکومتی که محور آن مشارکت بیشتر در قدرت است، این بار مجلس، ریاست قوه مجریه همه در اختیار باند ولایت فقیه قرار گرفت. این انتصاب بعد از ۲۶ سال عمر جمهوری اسلامی، «ته» به همه کسانی است که فکر می کنند در چارچوب این حکومت می توانند تغییری به وجود آورند. این حکومت حتما ظرفیت تحمل غر و لندهای خودبها را ندارد چه برسد به این که بخواهد تغییری به نفع مردم انجام دهد.

احمدی نژاد چهره ای آشکار و علنی از فاشیسم مذهبی است. وی که با خوش خدمتی در رکاب جمهوری اسلامی از پایین به بالا رسیده است و امروزه به عنوان رئیس قوه مجریه حکومت ولایتی به قدرت رسیده است هر چقدر که آمادگی پیاده کردن ایده های فاشیستی اش را داشته باشد اما توانایی انجام آن را پیدا نخواهد کرد. زیرا جنبشهای اجتماعی مردمی به چنان درجه ای از رشد رسیده است که اجازه چنین کاری را نخواهد داد. شیوه های به کار برده از طرف باند ولی فقیه، ورشکستگی و تضادهای جدی در حکومت را نشان می دهد. این پدیده گواه این است که مردم این رژیم را نمی خواهند و به یک تغییر فکر می کنند. ولی فقیه با این انتصاب در حقیقت قصد دارد همه راههای ممکن برای شکاف در قدرت را ببندد و بدون شکاف در برابر سیل عظیم جنبش مردمی ایستادگی کند اما زهی خیال باطل.

۵ تیر